

«محمد رضا»

بنی صدر»، متولد ۱۳۲۲، وکیل پایه یک دادگستری است. وی سالها در حوزه نشر کتاب، به خصوص ادبیات فعالیت داشته است و در حال حاضر مدیریت انتشارات «تندر» را بر عهده دارد. «بنی صدر» با مراکز مختلفی در حوزه مسائل مربوط به کتاب نیز همکاری داشته و در این زمینه صاحب نظر است. وی در این مقاله به مسئله ممیزی کتاب کودک پرداخته و ضمن رد ممیزی پیش از انتشار سعی کرده است، راه‌حلهایی را برای برطرف کردن دغدغه‌ها و نگرانیهای ناشی از حذف ممیزی پیش از چاپ ارائه کند.

# نکاتی چند دربارهٔ نظارت پیش از انتشار بر کتاب کودک و نوجوان

محمد رضا بنی صدر

ژوئیه گاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی

می‌گویید نتیجه تبلیغات بود، بفرمایید برای «ملا عمر» هم از این بهتر تبلیغات کنید یا حتی ببینید می‌شود یک چهره نیمه مشهور یا مشهور نزد بزرگسالان را به صرف تبلیغات - آن هم با پیشرفته‌ترین شیوه‌ها - محبوب کودکان کرد؟ خلاصه آنکه برخلاف تصور برخی بزرگترها، کودکان خیلی چیزها را، گاه زودتر از بزرگسالان، حس می‌کنند و ای کاش در مورد نظارت پیش از انتشار نیز - از طریق مطبوعات یا نامه‌نگاری - از خود کودکان و نوجوانان پرسش می‌شد و به جلسات یا صفحات مطبوعات بزرگسالان بسنده نمی‌کردیم.

در روزهای پیش از دوّم خرداد ۱۳۷۶، روزی پسر کوچکم، که در آن زمان هشت سال و نیمه بود، با پوستری از سیمای آقای خاتمی به خانه آمد و اصرار داشت که آن را به دیوار کوچه‌مان بچسباند. پرسیدم «چرا آقای خاتمی را این قدر دوست داری؟» پاسخ داد «چون مهربان است و بچه‌ها را دوست دارد». گفتم «از کجا این را فهمیده‌ای؟»، گفت «از چهره‌اش و طرز حرف زدنش در تلویزیون». این مقدمه را آوردم که طرفداران واکنشینه کردن محیط فرهنگی کودک و نوجوان، کودکان را آن قدر دست کم نگیرند، آنچه پسر من در آن زمان می‌گفت، گفتار مشترک همهٔ کودکان ایرانی بود. اگر



کتاب را خوانده باشند و اندهان میلیونها کودک  
بمباران ضدارزشی و ضد فرهنگی شده باشد.  
خلاصه آنکه تا تریاق از عراق آورند مار گزیده  
مرده باشد.

آنچه آمد، خلاصه و به واقع هسته استدلال  
موافقان نظارت پیش از انتشار است. این استدلال  
را می توان بسط داد و با ذکر مثال و مورد، قویترش  
نمود - یا با ذکر مثال و مورد که به ناچار، از دوره  
وجوه این نظارت است ضعیفترش کرد و نا کارایی  
نظارت پیش از انتشار را نشان داد - که این قطعاً  
بر عهده موافقان است.

برای یافتن راهی و پاسخی که لطمه ای به  
حقوق کودک نزند و بهترین عرصه را برای ارتقاء  
کمی و کیفی کتاب کودک و نوجوان فراهم آورد،  
نخست دو گونه نظارت را تعریف می کنم. گونه  
نخست، «نظارت توتالیتر و ایدئولوژیک» است. با  
این شکل نظارت، معمولاً بخش خصوصی جایی در

برای گشودن مطلب، نخست ببینیم موافقان  
نظارت پیش از انتشار چه می گویند و این را هم  
اضافه کنم، آنچه به عنوان نظر موافقان می آید،  
باز نویسی شنیده ها و خوانده هاست و بدیهی و  
مسلم است که آنها حق دارند در رد این نوشته  
بنگارند و نگارنده را آگاهتر کنند.

موافقان نظارت پیش از انتشار معتقدند  
چنانچه قرار باشد این نظارت یکبارہ حذف شود و  
مردم به عنوان شاکی خصوصی، و دادستان - یا  
رئیس دادگستری هر حوزه - به عنوان نماینده  
جامعه، با ملاحظه موارد خلاف و جرم به محاکم  
رجوع کنند، تکلیف کودک که بی دفاع است و تابع  
احساسات و عواطف، و قادر به تشخیص سره از  
ناسره و بدآموزی مطالب کتابهای کودکان و  
نوجوانان نیست چه خواهد شد؟ ای بسا پیش از  
آنکه کتاب به حکم دادگاه جمع آوری شود، بدآموزی  
مستتر در آن اثر بخشیده و صدها هزار کودک

دلیل‌کلی و نامشخص بودن نحوه نظارت، بسته به اوضاع جامعه و سلیقه ناظران، هر زمان نکته‌ای یا نکاتی عهده شمرده می‌شوند، خلاصه آنکه چوب خط ممیزی، ناگزیر تابعی از اوضاع روز و سلیقه ناظر است.

دوم، از آنجا که ناشران در برابر جامعه مسئول نیستند (مسئولیت با دستگاه نظارت است) و قانونی حاکم بر فعالیت آنها وجود ندارد، برای مال‌اندوزی (ضمن رعایت نکات موردنظر دستگاه نظارت) از به ابتذال کشاندن کتاب کودک و نوجوان ابائی ندارند. برای مثال در رژیم پیشین دستگاه سانسور آن چنان سرگرم یافتن نکات سیاسی در ادبیات بزرگسالان بود که ابتذال در ادبیات کودک و نوجوان برایش اهمیتی نداشت

نشر کتاب ندارد. کتاب، به ویژه کتاب کودک و نوجوان را ناشر یا ناشران دولتی با کادری مؤمن به چارچوب ایدئولوژیک حاکمیت منتشر می‌کنند و گونه‌ای یکدستی بین ستاد فرهنگی و آموزشی و دستگاه نشر وجود دارد. در این شکل نظارت، کتابهای بیگانه - مگر معدودی که از تصفیه گذشته باشد - وارد یا ترجمه نمی‌شوند. کتاب کودک و نوجوان در خدمت تبلیغ و ترویج ایدئولوژی حاکم است و تربیت کادرهای آینده، البته این‌گونه نظارت، ناکارایی خود را نشان داده است؛ انفجار فرهنگی در شوروی فروپاشیده و ولع جوانان به محصولات فرهنگی غرب در دوران حکومت شوروی نمونه ملموسی از این نظارت ناموفق است.

### در نظامهایی که نظارت توتالیتر و ایدئولوژیک حاکم است، معمولاً بخش خصوصی جایی در نشر کتاب ندارد. در چنین شرایطی، کتاب بویژه کتاب کودک و نوجوانان را ناشر یا ناشران دولتی با کادری مؤمن به چارچوب ایدئولوژیک حاکمیت نشر می‌کنند.

(چون از آنان نخواستہ بودند!) و کتابهای بعضاً مشهوری وجود داشتند که آکنده از تبلیغ سیاسی در قالب کتاب کودک و نوجوان بودند و صورتی هراس‌انگیز (!) داشتند. همچنین حتی اگر ناشر بخواهد کار با کیفیت خوب عرضه کند، چون قانونی از او حمایت نمی‌کند و اساساً قانونی وجود ندارد و از آنجا که شش‌دانگ حواس ناشر باید متوجه سلیقه دستگاه نظارت و گروههای فشار و اوضاع روز باشد، فرصتی برای ارتقاء کیفی محصولش باقی نمی‌ماند.

سوم، چون قرار نیست فضای فرهنگی کاملاً نظیر جوامع توتالیتر بسته باشد، پس راه ورود و ترجمه آثار بیگانه کاملاً بسته نیست. اما دستگاه نظارت پیش از انتشار در این‌گونه موارد نیز

اما گونه‌ای دیگر از نظارت وجود دارد که ویژگیهای اصلی آن ابهام و کلی بودن خط‌مشی‌ها، گونه‌ای تساهل متناوب یا حوزه‌ای (منظور حوزه‌های نشر کتاب است) است. در این‌گونه نظارت بخش خصوصی وجود دارد، کتابهای بیگانه وارد و ترجمه می‌شوند - البته با نظارت پیش از انتشار - و نشر کتاب لزوماً جز در مورد پاره‌ای ناشران دولتی - در خدمت ترویج و تبلیغ گروه خاصی از مردم نیست. ویژگیهای این‌گونه نظارت را بیشتر توضیح می‌دهم.

نخست اینکه چون نظارت پیش از انتشار متکی به دستگاه ایدئولوژیک توتالیتر نیست، نمی‌خواهد و نمی‌تواند در دقایق و جزئیات، تکلیف نحوه نظارت را روشن کند و خواه ناخواه به

تابعی از کلیات، اوضاع روز و سلیقه ناظر است و ای بسا که به صورت بپردازد و از معنا غفلت کند. آنچه برای بهبود کتاب کودک و نوجوان وضع شده بود به ضد خود بدل گردد (نظیر حذف سگ و خوک از کتابهای کودکان از یکسو و نمایش همین جانوران از تلویزیون و در دسترس بودن کارتونهای خارجی که نتیجه‌ای جز سردرگم کردن کودک ندارد).

چهارم، گفتیم نظارت با تساهلی ادواری و حوزه‌های همراه است. بدین معنا که باید آماده پذیرش قبض و بسط متناوب نظارت پیش از انتشار باشیم، بسته به اینکه مسئولان فرهنگی چه افرادی باشند یا اوضاع جامعه چه باشد. و نتیجه اینکه حوزه‌ای به این خاطر که توجه دستگاه

## در صورت وجود دستگاه نظارت، ناشران در برابر جامعه مسئول نیستند و قانون بر فعالیت‌هایشان حاکم نیست. پس آنها برای مال‌اندوزی (ضمن رعایت نکات موردنظر دستگاه نظارت) از به ابتدال کشیدن کتاب کودک و نوجوان ابایی نخواهند داشت.

کودک و روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی و از سوی دیگر به نمایندگان اقشار مختلف مردم سپرده شود.

دوم، باید نهادهای صنفی و فرهنگی موجود را تقویت کرد (نظیر شورای کتاب کودک) و در پی ایجاد برخی نهادهای تازه نظیر «حامیان حقوق کودک» و... بود که ناظر و ناقد کتاب کودک و نوجوان باشند.

سوم نقد و بررسی و معرفی آثار شاخص (چه آثار بزرگسالان و چه آثار ویژه کودکان و نوجوانان) باید در مطبوعات باب شود. برای این منظور نهادهای مربوطه می‌توانند به طور مرتب فهرستی از کتابهای شاخص را تهیه و در اختیار

نظارت در دوره‌ای مثلاً معطوف ادبیات و علوم انسانی است، از کمک درسی و افسست و... مغفول می‌ماند.

نهایت اینکه چنین نظارتی نیز، اگر به این وضع رها شود، و اگر قبض، کامل گردد، سرنوشت محتوم نظارت در جوامع توتالیتر را خواهد داشت. فراموش نکنیم دنیای امروز با دنیای رادیوی موج کوتاه تفاوت کرده است و توجه کنیم به این تکه از گزارش مندرج در روزنامه لوموند شماره ۱۶۶۹۵ مورخ ۳ سپتامبر ۹۸ (۷۷/۷/۸) که:

«...پس از آنکه طالبان بادیادک بازی را در افغانستان ممنوع کرد (و ایضاً فوتبال را) تولید و فروش مخفیانه بادیادک رونقی بسزا یافته است»

## نظارت پیش از انتشار با تساهلی ادواری و حوزه‌ای همراه است. یعنی بسته به اینکه مسئولان فرهنگی چه افرادی باشند، نظارت دچار قبض و بسط می‌شود.

مدارس قرار دهند و...

چون در برابر قانون پاسخگوست و دوم، در عرصه رقابت سعی خواهد کرد بهترین را به بازار عرضه کند و برای ایستادن در برابر رقبا، فارغ از ساده‌انگاری و کلیشه‌برداری به مسئولیت دستگاه نظارت، ناگزیر از نوآوری خواهد بود.

اما موافقان نظارت پیش از انتشار ممکن است بگویند با تمام اینها ای بسا دیوانه‌ای یا مأموری مجازات را بپذیرد و به بهای از دست دادن پروانه نشر و سرمایه و حبس و جزای نقدی، عامدانه کتابی بدآموز روانه بازار کند. در پاسخ باید گفت ای بسا همین فردا بین میلیونها ایرانی، افرادی دیوانه به قصد ربودن یا کشتن اطفال از خانه خارج شوند. چرا همه مردم را جلوی در خانه‌اشان بازرسی نکنیم و برای معاینه به پزشکی قانونی نفرستیم؟ □

چهارم، تلویزیون یکی از مهمترین ابزارهای تقویت کتابخوانی در کودکان و نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان است و همان‌قدر که می‌تواند ضد کتاب باشد، می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح در خدمت گسترش فرهنگ کتابخوانی و نقد و بررسی مداوم آثار منتشر شده قرار گیرد. به خصوص چنین برنامه‌هایی را می‌توان در ساعت‌هایی که تعداد بیشتری از مردم تلویزیون نگاه می‌کنند (نه هم‌زمان با سریالی عامه‌پسند!) و با استفاده از شیوه‌ها و ترفندهای تصویری تأثیرگذارتر کرد.

و دست آخر اینکه سپردن مسئولیت نشر کتاب به ناشر یا مدیر مسئول، بی‌گمان از دو جهت مفید خواهد بود. نخست آنکه ناشر یا مدیر مسئول آگاهانه و مسئولانه‌تر کتاب انتخاب خواهد کرد،

